

مبارزات سندیکائی کارگران ایران

اشتباهات گذشته - نواقص حال
اصول مبارزه سندیکائی کارگران

بقلم : محمد پروین « مکانسین »

مقدمه - با آنکه از عمر مبارزه سندیکائی کارگران ایران بیش از دهها سال گذشته ولی متأسفانه باید اقرار کرد در طول این مدت بواسطه توأم و در آمیخته شدن مبارزات سندیکائی با مبارزات سیاسی احزاب و غیره مبارزات سندیکائی نتوانسته با اصول صحیح به حیات خود ادامه داده تکامل پیدا نماید.

این نقص چنان واضح و مسلم است که کسی قادر به تکذیب آن نمیشد . برای آنکه هر فنومن یا پدیده اجتماعی که در شرائط زمان و مکان معینی بوجود میآید



آقای محمد پروین « مکانسین » از نویسندگان مبارز و مدافعین سرسخت طبقه کارگر است، گذشته از آنکه اطلاعات وسیعی در امور کارگری و سندیکائی دارند دهها سال در اتحادیههای کارگری عملاً فعالیت نموده، تجربههای ذیقیمتی در این مورد اندوختهاند.

ضمن نویسندگی در روزنامهها و انتشار نشریههای متعدد کتابی هم بنام معلومات اقتصادی و سیاسی تألیف و منتشر نمودهاند.

در رشته فلسفی و اقتصادی و اجتماعی مطالعات زیادی نموده و بواسطه اشتغال بکار فنی در کارخانجات بوضع طبقه کارگر و روحیه آنان وقوف کامل دارند. امیدوار است مقالات علمی و تجربی نویسنده ارجمندها مورد استفاده کارگران و سندیکاهای واقع گردد. ش.ن. بهاماء

اگر بر پایه صحیح منکی بوده پی ریزی گردد اصل مسلم علم الاجتماع حکم میکند که باید در راه تکامل قدم برداشته و روز بروز مکمل تر گردد.

بنابراین اگر سندیکاهای کارگری ایران حداقل از شهریورماه ۱۳۲۰ به بعد بر پایه صحیح علمی و تجربیات بین المللی طبقه کارگر بنیان گذاری شده بود امروز که ده ها سال از آن تاریخ گذشته باید سندیکاهای نیرومندی میداشتیم که میتواند از حقوق کارگران به نحو بسیار شایسته تر از امروز دفاع نماید

ممکن است بعضی ها عدم تکامل و رشد سندیکاهای کارگری را منحصر ا تقصیر دستگاه حاکمه و دولت بدانند که مانع فعالیت آزاد و تکامل آنها گردیده است. شکی در این نیست که دستگاه حاکمه و دولت در عدم امکان توسعه و تکامل سندیکاهای کارگری نقش موثر و قاطعی داشته است ولی مطلبی که باید توجه کرد این است که عوامل دیگری هم که به نحوی از انحاء وابسته به دستگاه حاکمه بوده و موجبات عکس العمل شدید دستگاه حاکمه و دولت را فراهم مینمودند وجود داشته است که متأسفانه به انجام نقشه های این عوامل عده دیگری هم اشتباهات کمک های موثری میکردند و بخصوص موقعی که این عده در دستگاههای رهبری قرار میگرفتند ضربات مهلکی بر پیکر سندیکاها وارد مینمودند.

اینک لازم است بعد از این مقدمه برای جلوگیری از تکرار این اعمال و اشتباهات، بطور خلاصه اشتباهات گذشته را مورد بررسی قرار دهیم.

قبل از اینست متذکر شویم که در هر مبارزه اجتماعی اعم از سندیکائی و غیر- سندیکائی باید اصل مسلمی را که عبارت از شرائط زمان و مکان و امکانات مبارزه در آن شرائط است مورد توجه قرار داد.

و با توجه بآن شرائط تا کتیک مبارزه را تعیین نموده و پیش بینی های لازم را برای رفع اشکالات احتمالی که ممکن است پیش بیاید نمود

در صورت عدم توجه باین اصول، طبیعی است ادامه مبارزه مقدور نمیتواند باشد و در هر دو صورت چه تندروی و چه عقب ماندگی سبب خواهد شد که يك مبارزه مثبت اجتماعی تحقق پیدا ننماید.

بطور کلی از روز تاسیس سندیکا های کارگری در ایران بعد از شهریور
ماه ۱۳۲۰ توجه لازم باصول سندیکائی نشده و بکارگران تعلیمات سندیکائی ناده
نشده است .

مهمترین اصول لازم الرعایه در سندیکا های کارگری اصل منافع مشترک صنفی
کارگران بدون توجه به عقیده سیاسی و مذهبی و رنگ و نژاد است.

بد نیست این اصل را بیشتر توضیح دهیم، اگر فرض نمائیم در یک کارخانه
یا کارگاه عدّه کارگر با عقاید سیاسی و مذهبی و نژادی مختلف مشغول کارند با
بررسی مختصری پی میبریم که بدون توجه باین اختلافات آنان دارای منافع مشترک
صنفی بوده و تحت حمایت قانون واحدی یعنی قانون کار میباشند و بهر نسبت که
شرائط کار مساعدتر و مزد بیشتر گردد تمام آن کارگران که دارای عقاید سیاسی و مذهبی
مختلفی میباشند مشترکاً از آن بهره مند میگردند.

با توجه بتوضیح بالا اگر رهبران سندیکائی بخواهند عضویت سندیکا را
رسماً یا عملاً مشروط به پیروی از عقیده سیاسی یا مذهبی معینی نمایند عملاً آن سندیکا
را از صورت واقعی خود خارج ساخته بیک دسته معینی که دارای عقیده سیاسی یا مذهبی
مشترک می هستند تبدیل خواهند نمود

در این مورد باید توجه داشت که منظور این نیست که اعضای سندیکا و کارگران
نباید دارای عقاید سیاسی باشند بلکه این امر که عبارت از داشتن عقیده و هدف سیاسی است
وظیفه هر انسان زنده میباشد و در اجتماعیکه طبقه کارگران که اکثریت قابل توجهی بوده و
رو بتوسعه و ازدیاد میروند فاقد عقیده و هدف سیاسی باشند بطور قطع آن اجتماع نمیتواند
بعنوان یک اجتماع مترقی در حال تکامل تلقی گردد.

ولی در سندیکا اگر شرط عضویت و فعالیت رسماً یا عملاً مشروط به عقیده
سیاسی معینی باشد بطور قطع آن سندیکا نمیتواند قدرت پیدا نموده و از منافع صنفی
طبقه کارگر دفاع نماید .

بشکل دیگری هم برای تضعیف وحدت صنفی طبقه کارگر عامداً یا اشتباهاً
اقدام میگردد و آن تشکیل سندیکا های متعدد در صنوف مختلف است و این امر بدو
طریق تحقق پیدا مینماید یکی طبق نقشه دشمنان طبقه کارگر که عامداً دست به
چنین اقدامی برای از بین بردن قدرت اتحاد کارگران میزنند و دیگری خود

خواهی عده ایست که آرزوی رهبری را در مغز خود پرورانده و بجای فعالیت مستقیم در سندیکای موجود و رسیدن بدستگاه رهبری دست به تشکیل سندیکای دیگر میزنند .

نتیجه حاصله از هر دو این عمل برای طبقه کارگر مساوی است و آن بهم خوردن یکپارچگی و وحدت طبقه کارگر است .

در گذشته نیز این امر سابقه فراوان دارد و همانطوریکه در بالا توضیح داده شد تعدد سندیکا بهر دو صورت بوجود آمده بود .

در وحله اول یعنی اواخر سال ۱۳۲۰ و اوائل سال ۱۳۲۱ سه دسته از زندانیان سیاسی سابق با آنکه سالهای متمادی در زندان بوده و هر سه دسته مدعی فدائیکاری و گذشت در راه طبقه کارگر بودند نتوانستند خود خواهی های خود را ندیده گرفته و منافع طبقه کارگر را به هوس های شخصی خود ترجیح دهند و بهمین لحاظ عده از آنان اقدام به تشکیل شورای مرکزی کارگران ایران تحت رهبری رضاروستا نمودند و این دسته اغلب از ۵۳ نفر مشهور و چند نفر هم از زندانیان قدیمی بودند که قبل از شهریور ماه ۱۳۲۰ زندانی شده بودند .

دسته دوم زندانیان سیاسی قدیمی بودند که آنها هم بدو دسته تقسیم شده و هر دسته اتحادیه کارگرانی بوجود آوردند .

عده کمی از آنان تحت رهبری دکتر سلام اله جاوید اتحادیه زحمتکشان ایران را تشکیل دادند .

عده دیگری مانند آقایان رحیم همداد و علی زاده نامی و مهندس عتیقه چی و علی امید و غیره اتحادیه مرکزی کارگران ایران را تحت رهبری یوسف افتخاری تشکیل دادند .

هر یک از این سه اتحادیه کاری عده از کارگران را متشکل و شروع بمبارزه نمودند . شورای مرکزی کارگران ایران که تحت رهبری رضا روستا فعالیت مینمود شعار وحدت طبقه کارگر و ائتلاف اتحادیه ها را داده و در سال ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ تا حدودی موفق به تمرکز اتحادیه کارگران ایران گردید .

مسائل زیرین در موفقیت شورای مر کزی اثر مهمی داشت .

۱- رهبران هر دو اتحادیه دیگر یعنی اتحادیه مر کزی کارگران ایران و اتحادیه زحمتکشان ایران مدعی داشتن عقیده سیاسی مورد ادعای رهبران شورای مر کزی بودند و بهمین لحاظ نمیتوانستند در مقابل شورای مر کزی کارگران ایران که مورد حمایت هم بود مقاومت نمایند.

۲- شعارهای انقلابی و تبلیغات وسیع و مورد حمایت بودن آن توجه طبقه کارگر را بشورای مر کزی کارگران ایران جلب نهوده بود.

۳- عدۀ از رهبران هر دو اتحادیه با ائتلاف موافقت و قطعنامه امضاء نموده بودند . با توجه بعوامل فوق الذکر سیل نهضت کارگری رهبران مخالف را درهم کوبیده و وحدت اتحادیهها را عملی نمود .

مخالف جدی این وحدت و الحاق بشورای مر کزی کارگران ایران یوسف افتخاری بود که از طرفی شخصاً مرد فعال و در امور سندیکائی مطلع وار گانیزاتور کم نظیری بود و از طرفی دیگر ۱۳ سال سابقه زندان قصر و بندر عباس نامبرده را دارای وجهه ای بین طبقه کارگر نموده بود ولی نامبرده راهم تروتسکیست معرفی کرده و مورد حمله قرار داده از میدان مبارزه خارج نمودند.

بعد از این وحدت سندیکا سازی دولت مانند اسکی وغیره از یکطرف و اشتباهات و مقاصد سیاسی خاص رهبران شورای متحده مر کزی از طرف دیگر باعث شد اولاً مبارزات سندیکاهای کارگری ایران از اصول مبارزه سندیکائی خارج شده برآه دیگری بیفتند که بهیچوجه بایک مبارزه صحیح و اصولی سندیکای کارگری تطبیق نمی نمود

ثانیاً هیئت حاکمه و دولتهای وقت که مخالف تکامل سندیکاها و قدرت آنان و بخصوص بآن شکل بودند (یعنی بشکلی که از جنبه صنفی بکلی خارج شده وضع کاملاً سیاسی بخود گرفته بود) آن اشتباهات را بهانه کرده چه بوسیله افرادی که بنام سندیکا وغیره جمع آوری نموده بودند و چه بوسیله سایر وسائل سندیکاها را مورد حملات شدید قرار داده و یکی را بعد از دیگری متلاشی نمودند.